یادداشت

ایران و آمریکا؛ مسیر دشوار، افق نیمه‌تاریک یا روشن

ادامه از صفحه اول

جمهوری اسلامی ایران خواهان به رسمیت شناخته‌شدن فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای خود است و طرف آمریکایی نیز به دفعات اعلام کرده آنچه برایش اهمیت دارد، جلوگیری از ساخت سلاح هسته‌ای توسط ایران است، نه اصل فعالیت‌های هسته‌ای در چارچوب صلح‌آمیز. این هم‌پوشانی نسبی در مواضع، اگر با صداقت سیاسی همراه باشد، می‌تواند زمینه‌ساز تفاهمی پایدار باشد. استدلال ایران دراین‌باره نه‌تنها سیاسی، بلکه حقوقی نیز است. بر اساس ماده ۴ معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT)، استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای، حقی انکارنشدنی برای تمامی اعضا تلقی شده است: «هیچ‌چیز در این معاهده نباید به‌گونه‌ای تفسیر شود که بر حق غیرقابل انکار تمامی اعضا برای توسعه، تحقیق، تولید و استفاده از انرژی هسته‌ای برای اهداف صلح‌آمیز بدون تبعیض تأثیر بگذارد». ایران نیز همواره در چارچوب این ماده و تحت نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی فعالیت کرده است؛ بنابراین تلاش برای محدودسازی این حق، نقض آشکار اصول NPT تلقی می‌شود. بااین‌حال، روند مذاکرات تحت تأثیر فضای مبهم و بعضا متناقض سیاسی در ایالات متحده با چالش‌هایی روبه‌رو شده است. ساختار تصمیم‌سازی در آمریکا همچنان از میراث سیاست خارجی ترامپ در گذشته اثر می‌پذیرد؛ سیاستی که برخی از حلقه‌های فکری و امنیتی همچون ریچارد والتز و وزیر دفاع سابق، لوید آستین، همچنان از آن حمایت می‌کنند. از طرفی پیتر هگست، وزیر دفاع کنونی، با اتخاذ رویکرد تهاجمی و تهدیدآمیز، منویات «فشار حداکثری» ترامپ را نمایندگی کرده و در مدل دیپلماسی آمریکایی ترامپی، نقش شمشیر داموکلس را بازی می‌کند. در نقطه مقابل، چهره‌هایی همچون ترامپ و مشاورش استیو ویتکاف از تعامل مشروط با ایران دفاع کرده و فشار حداکثری صرف را بی‌نتیجه می‌دانند و به همین دلیل تحت فشار نئوکان‌ها نیز قرار گرفته‌اند. توییت اخیر دونالد ترامپ جونیور، پسر ترامپ نیز گواه این دوگانگی در رویکردهاست. جونیور ترامپ در واکنش به مطلبی که خبر از عملیات تبلیغاتی بنیاد صهیونیستی FDD علیه ویتکاف و مذاکرات ایران و آمریکا داده، این‌گونه نوشته است: «نئومحافظه‌کاران دولت پنهان، استیو ویتکاف را تخریب می‌کنند چون به دنبال تضعیف دستور کار سیاست خارجی پدرم هستند. دولت پنهان خواهان «جنگ» ابدی است». و به نظر می‌رسد «دولت سایه» در آمریکا نیز با حس سرخوردگی شکست در انتخابات، مسئول تخریب دولت رسمی و سیاست‌های خارجی آنهاست که البته برای ما ایرانیان هم موضوعی تکراری و تجربه‌شده است. درعین‌حال، تصمیمات اقتصادی ترامپ همچون صدور فرمان تحریم مجدد خرید نفت و فراورده‌های پتروشیمی از ایران، همچنان نشان از ادامه رویکرد سیاست چماق و هویج است. چنین تصمیماتی، هرچند ممکن است از نگاه برخی ابزار چانه‌زنی تلقی شوند، اما در عمل روند مذاکرات را پیچیده کرده و تردیدهایی را درباره حسن نیت طرف آمریکایی ایجاد می‌کند. همین سیاست‌های متناقض، فضا را برای پیشبرد گفت‌وگو سخت‌تر و فرسایشی‌تر می‌کند. از دیگر سو، رفتار سه کشور اروپایی عضو برجام نیز مزید بر علت شده است. فرانسه، آلمان و بریتانیا که در مراحل پیشین تلاش‌هایی برای میانجیگری داشتند، اکنون با حذف تدریجی از معادلات تصمیم‌گیری اصلی، به سیاست‌های تخریبی روی آورده‌اند. در این میان، نقش دولت فرانسه پررنگ‌تر از دیگران است. ژان نوئل بارو، وزیر خارجه فرانسه، در تلاش است با نزدیک‌کردن مواضع خود به اسرائیل و تکرار تهدید فعال‌سازی مکانیسم اسنپ‌بک -که دیگر مبنای حقوقی لازم را ندارد- جایگاه پاریس را در معادلات حفظ کند. این در حالی است که استفاده مداوم از واژه‌هایی همچون «بازگشت تحریم‌ها» نه‌تنها بی‌پشتوانه است، بلکه خود مانعی برای اعتمادسازی است. در این فضای چندوجهی و پرفشار، ایران موضع خود را با صراحت و انسجام اعلام کرده است. دکتر سیدعباس عراقچی، رئیس تیم مذاکره‌کننده، در آخرین موضع رسمی خود در شبکه اجتماعی ایکس نوشته است: «از طرف ایران هیچ تغییری در عزم ما برای دستیابی به یک راه‌حل مذاکراتی ایجاد نشده است. درواقع، ما بیش از هر زمان دیگری مصمم به دستیابی به یک توافق عادلانه و متوازن هستیم؛ توافقی که پایان تحریم‌ها را تضمین و درخصوص اینکه برنامه هسته‌ای ایران برای همیشه صلح‌آمیز خواهد ماند، اعتمادسازی کند، ضمن آنکه تضمین شود حقوق ایران به طور کامل رعایت خواهد شد». در اصل، دکتر عراقچی با این توییت سعی کرده مجددا و بلافاصله توپ را در زمین طرف آمریکایی انداخته و هر تغییری در ساختار ابتدایی و پیش‌فرض‌های مذاکراتی را به گردن طرف مقابل بیندازد. همین نگاه واقع‌گرایانه و درعین‌حال امیدوارانه است که باعث شده هنوز روزنه‌های دیپلماتیک برای دستیابی به تفاهمی پایدار باز بماند. اکنون زمان آن است که طرف مقابل نیز با درک دقیق از واقعیات منطقه و حقوق بین‌الملل، از سیاست‌های تناقض‌آمیز فاصله بگیرد و در مسیر تفاهم متقابل گام بردارد؛ تفاهمی که نه‌تنها به نفع تهران و واشنگتن، بلکه به سود ثبات کل منطقه و جهان خواهد بود.

ناامیدی برای تشکیل دولت وحدت ملی در سوریه

ادامه از صفحه اول

سوریه همچنین با دخالت قدرت‌هایی منطقه‌ای مواجه است که قصد دارند از ضعف داخلی این کشور بهره‌برداری کنند. درحالی‌که کشور تحت فشار تحریم‌های بین‌المللی در تنگنا قرار دارد، برای حفظ ارتش خود به ترکیه اردوغان متکی شده است. ترکیه نیز از کاهش نفوذ ایران بهره برده و در حال گسترش نفوذ خود است. حضور نظامی ترکیه عمدتا در محور جرابلس-ادلب در شمال غرب سوریه و تا حدی در مناطق بین تل ابیض و رأس‌العین نزدیک به مناطق تحت کنترل «اداره خودگردان شمال و شرق سوریه» متمرکز شده است. ترکیه که همواره حامی شورشیان سوری مخالف بشار اسد بوده، اکنون روابط نزدیکی با دولت احمد الشرع برقرار کرده و قصد دارد با استقرار پایگاه‌های نظامی، از جمله در نزدیکی حلب و حمص، کنترل نظامی بیشتری بر کشور پیدا کند، اما اسرائیل که از سقوط رژیم بشار اسد (مجرای حمایت ایران از حزب‌الله) خشنود است، با قاطعیت با چنین برنامه‌هایی از سوی ترکیه مخالفت کرده و خواستار غیرنظامی‌سازی کامل جنوب سوریه است. تل‌آویو همچنین نگران است که زیرساخت‌ها و تجهیزات نظامی سوریه به دست گروه‌هایی بیفتد که حتی از دولت احمد الشرع افراطی‌تر هستند؛ چراکه وحدت ملی سوریه به‌ویژه با وجود جهادگرایان خارجی حاضر در کشور همچنان شکننده و نامشخص است. اسرائیل در تلاش است تا باقی‌مانده توان نظامی سوریه را از بین ببرد و به حملات هوایی خود در اطراف دمشق و نفوذ به مناطق مرزی در بلندی‌های جولان ادامه می‌دهد که منجر به درگیری‌های خونین با ساکنان محلی شده است. اگرچه مقامات سوریه و ترکیه اقدامات اسرائیل را محکوم کرده‌اند، اما واکنش‌ها و پاسخ‌های‌شان همچنان محتاطانه باقی مانده است. ارتش سوریه توان مقابله ندارد و از شعله‌ورشدن درگیری‌ها که مانع رفع تحریم‌ها خواهد شد، بیم دارد. ترکیه نیز تمرکز اصلی خود را بر مسئله کردها و نیروهای دموکراتیک سوریه گذاشته که آنها را شاخه‌ای از حزب کارگران کردستان یا پ.ک.ک (حزبی که ترکیه بیش از ۴۰ سال است با آن درگیر است) می‌داند. رئیس‌جمهور جدید سوریه در تنگنای دشواری قرار گرفته است. از یک سو به کمک نظامی ترکیه برای حفظ سرزمین نیاز دارد و از سوی دیگر باید با واکنش اسرائیل به جاه‌طلبی‌های آنکارا روبه‌رو شود. هم‌زمان با سفر بنیامین نتانیاهو به واشنگتن در هفتم آوریل، رئیس‌جمهور ترامپ اعلام کرد که از روابط خوب خود با رجب طیب اردوغان برای کاهش تنش‌ها استفاده خواهد کرد. علاوه‌براین واشنگتن فهرستی از شرایط لازم برای رفع تحریم‌ها را به دمشق ارائه داده که تحقق آن نقش تعیین‌کننده‌ای در امکان‌پذیرشدن موفقیت دولت جدید ایفا خواهد کرد.

برکناری والتز، سمت جدید روبیو و پیامدهای آن

کاخ سفید مرکز فرماندهی یک‌نفره

شرق: گرچه دونالد ترامپ به‌تازگی مشاور امنیت ملی خود را تغییر داده، اما مشورتی که بیش از همه برایش ارزش دارد، نظر خودش است. با وجود تعهد به سیاست «اول آمریکا»، او در پایان‌دادن به درگیری خونین اوکراین و تضمین آزادی گروگان‌های باقی‌مانده در غزه، با چالش مواجه بوده است. او همچنین برای مذاکره بر سر یک توافق هسته‌ای پیچیده با ایران، در چارچوب مهلتی که خودش تعیین کرده، تلاش کرده است. در تمام این مدت، او حملات هوایی آمریکا علیه حوثی‌ها در یمن را افزایش داده است؛ گروهی که به گفته او در یک کارزار تقریبا ۵۰روزه که نشانه چندانی از پایان آن دیده نمی‌شود، «نابود» شده‌اند. کنارگذاشتن مایک والتز، پیروی ترامپ از غرایز خود را ساده‌تر می‌کند، اما لزوما دستیابی به پیروزی‌های سیاست خارجی را آسان‌تر نخواهد کرد.

از روزی که ترامپ در ژانویه به دفتر بیضی بازگشت، به‌وضوح نشان داد که تصمیم‌گیرنده اصلی در سیاست خارجی بوده و آماده است از حلقه‌ای گسترده، فراتر از تیم سنتی بین‌سازمانی، شامل مدیران تجاری و چهره‌های دنیای «ماگا» (اول آمریکا) مشاوره بگیرد.

ممکن است مارکو روبیو، وزیر امور خارجه که به طور موقت به عنوان مشاور امنیت ملی نیز خدمت خواهد کرد، کنترل فرایند سیاست خارجی را به دست گیرد. اما احتمال بیشتر آن است که ترامپ همچنان به دریافت مشاوره از خارج از سیستم سنتی امنیت ملی ادامه دهد؛ حتی زمانی که مشاوران دولتی او تردید دارند.

ریچارد هاس، رئیس سابق شورای روابط خارجی که در وزارت امور خارجه، شورای امنیت ملی و پنتاگون خدمت کرده است، به وال‌استریت‌ژورنال می‌گوید: «این دولت، از بالا به پایین‌ترین دولت در حافظه اخیر است. این یک دولت کارمندمحور نیست». بانفوذترین مشاور ترامپ یکی از اعضای کابینه نیست، بلکه فرستاده ویژه، استیو ویتکاف، غول املاک و مستغلات است که می‌گوید با «تقریبا تمام» سیاست‌های رئیس‌جمهور موافق است. ویتکاف هفته گذشته در حالی که جلسات با ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه و عباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران را مدیریت می‌کرد، از مسکو به عمان شتافت. در این میان، تأثیرگذاران راست افراطی مانند لورا لومر نیز بر تصمیمات حیاتی پرسنلی تأثیر گذاشته‌اند.

ترامپ نقش امنیت ملی روبیو را «موقت» توصیف کرد و این باعث گمانه‌زنی درباره اینکه چه کسی ممکن است در ماه‌های آینده این سمت را پر کند، شد. حامیان «ماگا» که به اتحادهای ایالات متحده مشکوک هستند و تمایل بیشتری به تعامل با پوتین دارند، برای نفوذ با طرفداران سیاست‌های سنتی‌تر جمهوری‌خواه برای بازدارندگی مسکو رقابت می‌کنند.

ترامپ در دوره اول ریاست‌جمهوری خود چهار مشاور امنیت ملی داشت. اولین انتخاب او، ژنرال بازنشسته ارتش، مایک فلین، کمتر از یک ماه در این سمت دوام آورد. دیگران سعی کردند بین انگیزه‌های معاملاتی ترامپ و تلاش‌های خود برای سیاست‌گذاری منظم، راهی بیابند. روبیو اولین فرد پس از هنری کیسینجر خواهد بود که هم‌زمان به عنوان مشاور امنیت ملی و رئیس وزارت امور خارجه خدمت می‌کند. سابقه او به عنوان سناتور نشان می‌دهد که مانند والتز و تا حدی برخلاف ترامپ، عمیقا به نیات پوتین و ایران بدبین است.

کمتر کسی انتظار دارد که روبیو چیزی نزدیک به تسلط کیسینجر بر سیاست خارجی را برقرار کند. جان بولتون، یکی از مشاوران امنیت ملی دوره اول ترامپ، خاطرنشان کرد کیسینجر هر دو نقش را در اوج رسوایی واترگیت بر عهده گرفت و پس از استعفای رئیس‌جمهور ریچارد نیکسون نیز در سمت خود باقی ماند. بولتون گفت: «آنها در یک بحران واقعی قانون اساسی بودند. این پیش‌بینی خوبی برای ترامپ نیست». بولتون ماه‌ها قبل از اخراج از این سمت در سال ۲۰۱۹ با ترامپ درگیر بود.

اچ‌آر مک‌مستر، ژنرال ارتش، در سال ۲۰۱۷ به نقش مشاور امنیت ملی قدم گذاشت. این موقعیت برای افسر رک‌گویی که به دنبال ترسیم گزینه‌های سیاستی بود، در حالی که طرفداران «ماگا» از دور به او حمله می‌کردند، ناخوشایند بود. او در سال ۲۰۱۸ توسط ترامپ اخراج شد و در خاطرات بعدی خود نقل کرد به همسرش گفته است: «پس از بیش از یک سال در این شغل، نمی‌توانم تسلط پوتین بر ترامپ را درک کنم».

رابرت اوبراین که پس از بولتون مشاور امنیت ملی شد، در مدیریت ترامپ ماهرتر بود. او تلاش کرد انگیزه‌های رئیس‌جمهور را به سیاست تبدیل کند و گاهی اوقات توییت‌های او را به عنوان دستورالعمل‌های سیاستی در بین کارکنان شورای امنیت ملی توزیع می‌کرد. او بر تکمیل توافق‌نامه ابراهیم که روابط بین اسرائیل و چندین کشور عربی را عادی‌سازی کرد، یکی از دستاوردهای برجسته سیاست خارجی ترامپ، نظارت داشت.

والتز، یک کلاه‌سبز سابق ارتش و نماینده کنگره از فلوریدا، هنگامی که مشاور امنیت ملی شد، پایگاهی در دنیای «ماگا» نداشت. او در انتقال اولویت‌های امنیت ملی رئیس‌جمهور در تلویزیون مشکل داشت و دیدگاه‌های سنتی تندروانه‌اش درباره روسیه و ایران، با برخی از غرایز خود ترامپ ناهماهنگ به نظر می‌رسید.

فقط چند روز قبل از برکناری از سمت مشاور امنیت ملی، والتز سعی کرد وفاداری خود را نشان دهد و «پیروزی‌های امنیت ملی» دولت ترامپ را در مقاله‌ای در «نشنال‌اینترست» تبلیغ کرد. اما پیروزی‌ها تاکنون اندک بوده‌اند؛ ایالات متحده و ایران هنوز با توافق هسته‌ای فاصله زیادی دارند، پیشنهاد غیرمحتمل ترامپ برای انتقال همه فلسطینیان از غزه از نظر غزه‌ای‌ها و کشورهای عربی منطقه غیرقابل قبول است و اهداف او برای به‌دست‌آوردن گرینلند و تبدیل کانادا به ایالت پنجاه‌ویکم نیز دور از دسترس به نظر می‌رسد. بااین‌حال، رئیس‌جمهور حداقل از ایده‌های خود دست نکشیده است.

جنگنده‌های اسرائیلی به نزدیکی کاخ جولانی رسیدند

تنش در حاشیه دمشق

شرق: کمتر از شش ماه پس از سقوط حکومت بشار اسد، احمد الشرع و یارانش در سوریه با بحران‌های تمام‌نشدنی دست‌وپنجه نرم می‌کنند که ظاهرا هر روز هم به تعداد آنها اضافه می‌شود. حالا در جنوب سوریه یک نقطه جوش تازه‌ای ایجاد شده که پای اسرائیل را بیش از پیش به غائله سوریه باز کرده است.

کرنش جولانی راه به جایی نبرد

صبح جمعه ۱۲ اردیبهشت، احمد الشرع با خبری نادر از خواب بیدار شد: جنگنده‌های اسرائیلی که از زمان سقوط حکومت اسد دست به بمباران نواحی گوناگونی در سوریه می‌زدند، پا را از آن هم فراتر گذاشته و نقطه‌ای بسیار نزدیک به کاخ ریاست‌جمهوری سوریه را هدف قرار دادند. این حمله در ساعات پایانی پنجشنبه‌شب و در حمایت از دروزی‌ها اتفاق افتاد. هم‌زمان با چنین اقدامی، نتانیاهو و یسرائیل کاتس، با انتشار پیامی مشترک گفتند مانع از اعزام نیروهای جهادی به جنوب دمشق برای سرکوب دروزی‌های سوریه خواهند شد.

تلاش احمد الشرع برای سرکوب دروزی‌ها از یک سو و حمایت نظامی اسرائیل از آنها از سوی دیگر، سوریه را در معرض وضعیتی دشوار قرار داده است؛ تا جایی که برخی از ناظران معتقدند وضعیت فعلی می‌تواند سوریه را وارد دور تازه‌ای از خشونت‌ها کند.

جغرافیای جدال

دو روز مانده به پایان ماه آوریل، یعنی سه‌شنبه گذشته، یک فایل صوتی مشکوک از روحانی دروزی منتشر شد که در آن به حضرت محمد توهینی صورت گرفته بود. نیروهای احمد الشرع با استناد به این فایل صوتی، به منطقه اشرفیه صحنایا هجوم بردند و درگیری شدیدی در این نقطه جنوبی سوریه ایجاد شد. اشرفیه صحنایا، شهری در سوریه، واقع در استان ریف دمشق و منطقه داریا، حدود ۱۰کیلومتری جنوب دمشق، پایتخت سوریه است. این منطقه در غوطه غربی قرار دارد و نزدیک به شهرهایی مثل صحنایا و داریاست و اتوبان بین‌المللی درعا-دمشق از آن عبور می‌کند. بیشتر ساکنان این ناحیه از دروزها هستند و به کشاورزی زیتون، انگور و محصولات فصلی می‌پردازند. تنها در درگیری اولیه ۹ نفر جان خود را از دست دادند. از سه‌شنبه هفته گذشته تا روز جمعه، تعداد کشته‌شدگان هر دو طرف صد نفر عنوان شده است. این تعداد در حالی اعلام شده که خبرهای ضدونقیضی

درباره توافق میان دولت جولانی با دروزی‌ها برای به زمین گذاشتن سلاح‌ها منتشر می‌شود و هم‌زمان با همین خبرها، گروهی از دروزی‌ها جاده‌ها را در اعتراض به هجوم نیروهای دولت الشرع به مناطق محل سکونت خود بسته‌اند.

چرا پای نتانیاهو به ماجرا باز شد؟

از روزی که بشار اسد سوریه را به مقصد مسکو ترک کرد، اسرائیل دست به عملیات‌های پی‌درپی نظامی علیه این کشور زد. تل‌آویو هدف خود را از حمله به خاک سوریه، جلوگیری از دسترسی گروه‌های افراطی به تسلیحات استراتژیک و تضعیف زیرساخت‌های نظامی باقی‌مانده از حکومت بشار اسد عنوان کرد؛ اتفاقی که از نظر ناظران، تنها کارش نابودی زیرساخت‌های باقی‌مانده نظامی و غیرنظامی در سوریه بوده است. نتانیاهو که سقوط بشار اسد را روزی تاریخی خوانده است، تنها هدف را در عدم دسترسی گروه‌های تندرو به سلاح‌ها نمی‌داند؛ او با حمایت از اقلیت دروزی، فرصت مناسبی برای حضور در سوریه به دست آورده است.

مثلث دفاعی در اسرائیل شامل نتانیاهو، ساعر و کاتس، خود را حامی دروزی‌های سوریه معرفی کرده‌اند و حملات شدید آخر هفته را به پای همین حمایت‌ها نوشته‌اند. دفاع از دروزی‌ها از فروردین امسال به این سو باعث شده جنوب سوریه تحت نفوذ اسرائیل قرار بگیرد. درعین‌حال، حمله بامداد روز جمعه به دمشق نشان می‌دهد که تل‌آویو حتی ابایی از شلیک به سوی کاخ ریاست‌جمهوری سوریه هم ندارد.

آنچه می‌تواند باعث نگرانی جولانی شود و حتی در عراق هم واکنش‌هایی را برانگیخته، افزایش میزان جسارت نتانیاهو برای حمله به خاک سوریه است. از سوی دیگر، وجود سلاح در دست گروه‌هایی از دروزی‌های مورد حمایت تل‌آویو، می‌تواند باعث افزایش درگیری‌های داخلی شود که تا امروز به‌شدت خون‌بار بوده‌اند. برای احمد الشرع که از روز نخست حضور در دمشق تلاش داشت چهره‌ای صلح‌طلب از خود بسازد و در دیدار مقامات غربی و عربی از اعمال قدرت در سراسر سوریه و همکاری با گروه‌های قومی و مذهبی حرف زده، وقایع اخیر به معنای یک شکست واقعی به نظر می‌رسد. الشرع در ماه‌های گذشته تلاش کرده میزان سلاح‌هایی را که در دست سوری‌ها و کردهای سوریه قرار دارد، کاهش دهد. این خواسته او در مناطق کردنشین تا حدی به نتیجه رسید و دولت و کردها، بدون اینکه به صورت ریشه‌ای به اختلافات خود بپردازند، با یکدیگر به توافق دست پیدا کرده و فعلا سلاح را بر زمین گذاشته‌اند، اما در مورد دروزی‌ها احمد الشرع موفقیتی به دست نیاورده است.

دروزی‌ها چه کسانی هستند؟

تعداد دروزی‌ها در کل خاورمیانه یک تا یک و نیم میلیون نفر تخمین زده می‌شود. از این تعداد، ۷۰۰ هزار نفر از آنها در سوریه و در مناطقی همچون سویدا، اطراف دمشق و قنیطره در نزدیکی بلندی‌های جولان زندگی می‌کنند.

دروزی‌ها شاخه‌ای از اسماعیلیه هستند که از قرن یازدهم در منطقه حضور دارند و عقاید آنها ترکیبی از عناصر اسلامی، نوافلاطونی و عرفانی است.

جامعه دروزی، به‌ویژه در سوریه، جامعه‌ای نسبتا بسته محسوب می‌شود که طی سال‌ها با وجود زبان و سنن مشترک با دیگر سوری‌ها، با آنها ترکیب نشده است. جالب است بدانید که دروزی‌ها بعد از سوریه، در لبنان، اردن و سرزمین‌های اشغالی ساکن‌اند و همین تعداد ۱۴۳ هزار دروزی باعث شده تل‌آویو خود را محق ببیند برای آنچه خود حفاظت از دروزی‌ها می‌نامد، دست به عمل علیه دولت فعلی سوریه بزند.

این گروه قومی در سال‌های حکومت خاندان اسد، به ندرت خود را در تضاد با قدرت می‌دید. بااین‌حال، با روی کار آمدن اسلام‌گرایان تندرو به رهبری جولانی، آنها ترس بیشتری از آینده احساس کردند.

شماره مزایده : ۱۴۰۴۰۴۳۲۶۰۳۳۰۰۰۰۲۱
تاریخ ثبت : ۱۴۰۴.۰۲.۱۱
تاریخ واقعی انجام مزایده:
وضعیت :تایید شده
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
متن آگهی مزایده
... آگهی مزایده اموال غیر منقول اسناد ذمه ای پرونده کلاسه اجرایی ۹۹۰۲۳۶۴
به موجب پرونده اجرایی کلاسه فوق له خانم ناهید پرویزی علیه عباس رحیمی ۲۷.۴۲ شعیر مشاع از ۹۶ شعیر و اعیان پلاک سه هزار و دویست و پنجاه و هفت فرعی از نوزده اصلی مفروز و مجزا شده از یکهزار و چهارصد و بیست و یک و یکهزار و چهارصد و بیست و دو فرعی از اصلی مذکور (۳۲۵۷ فرعی از ۱۹ اصلی) مفروز و مجزا شده از ۱۴۲۲ ،۱۴۲۱ فرعی از اصلی مذکور (توضیح اینکه مقدار ۹.۱۴ شعیر مشاع از دو دانگ سهمی خانم عالیه بختیاری و مقدار ۱۸.۲۸ شعیر مشاع از چهار دانگ سهمی منصور رحیمی میباشد)واقع در بخش ۰۲ ناحیه ۹۹ حوزه ثبت ملک همدان. ناحیه دو استان همدان به نشانی همدان شهرک مدنی فلکه حسن آباد خیابان پروینی گلچین ۱۰ پ ۳۰ واقع در بخش ۰۲ ناحیه ۹۹ حوزه ثبت ملک همدان ناحیه دو استان همدان به مساحت ۱۸۰ متر مربع
به حدود :شمالا: بطول ۱۲ متر درب و دیوار به خیابان. شرقا: بطول ۱۵ متر دیوار به دیوار پلاک ۳۲۵۸ فرعی. جنوبا: بطول ۱۲ متر دیوار به دیوار پلاک ۳۲۴۰ فرعی غربا: بطول ۱۵ متر دیوار به کوچه ۴ متری. مشخصات مالکیت: مالکیت عالیه / بختیاری فرزند محتاجعلی شماره شناسنامه ۱۳ تاریخ تولد ۱۳۲۴.۰۲.۰۶ صادره از بهار دارای شماره ملی ۴۰۵۱۵۹۱۳۳۶ با جز سهم ۲ از کل سهم ۶ بعنوان مالک دو دانگ مشاع از شش دانگ عرصه و اعیان با شماره مستند مالکیت ۶۱۳۶ تاریخ ۱۳۸۷.۱۱.۲۴ دفتر خانه اسناد رسمی شماره ۱۲ شهر همدان استان همدان ثبت گردیده است و ناکنون بنامش سند مالکیت صادر نگردیده است مالکیت منصور /رحیمی فرزند محمد علی شماره شناسنامه ۶۱۲ تاریخ تولد دارای شماره ملی با جز سهم ۴ از کل سهم ۶ بعنوان مالک چهار دانگ مشاع از شش دانگ عرصه و اعیان با شماره مستند مالکیت ۶۱۳۶ تاریخ ۱۳۸۷.۱۱.۲۴ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۱۲ شهر همدان استان همدان موضوع سند مالکیت اصلی بشماره چاپی ۴۹۷۴۹۵ سری ۰ سال - که در صفحه ۱۹۶ دفتر املاک جلد ۱۴۴ ذیل شماره ۴۳۸۸۱ ثبت گردیده است که طبق نظر مورخ ۱۴۰۳.۰۹.۱۷ کارشناسان رسمی دادگستری مورد مزایده در محل بصورت یک ساختمان دو طبقه با دیوارهای آجری فاقد نما سازی با سقف تیر آهن با قدمت بیش از ۲۰ سال احداث شده است که سیستم گرمایش بخاری گازی است و ملک دارای امتیازات شهری است و مساحت اعیانی در حدود ۲۹۰ متر مربع در دو طبقه میباشد که هر طبقه دارای دو اتاق خواب میباشد و در طبقه همکف یکباب پارکینگ نیز وجود دارد دارای ایگرمکس دیواری دارای کابینت ام دی اف دارای پنجره های فلزی و درهای داخلی از تخته سه لایی که شنشدانک آن به مبلغ ۶۵.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰ ریال (شصت و پنج میلیارد ریال) ارزیابی گردیده که سهم مورد مزایده به میزان ۲۷.۴۲ شعیر مشاع از آن ۱۸.۵۷۱.۴۲۸.۵۷۱ ریال (هجده میلیارد و پانصد و هفتاد و یک میلیون و چهارصد و بیست و هشت هزار و پانصد و هفتاد و یک ریال)میباشد که به موجب سند نکاحیه ۸۸۷۸ - ۱۳۸۳.۰۵.۲۰ بازداشت گردیده و به علت عدم انجام تعهد پلاک فوق از ساعت ۹ الی ۱۲ روز شنبه مورخ ۱۴۰۴.۰۲.۲۷ از طریق مزایده به فروش می رسد محل مزایده واقع در همدان سعیدیه بالا نبش بلوار غنی زادیان ساختمان اداره کل ثبت اسناد و املاک ،همدان طبقه اول، واحد اجرای اسناد رسمی میباشد مزایده از مبلغ ۱۸.۵۷۱.۳۲۸.۵۷۱ ریال (هجده میلیارد و پانصد و هفتاد و یک میلیون و چهارصد و هشت هزار و پانصد و هفتاد و یک ریال) شروع و به بالاترین قیمت پیشنهادی نقدا فروخته می شود. شرکت در مزایده منوط به پرداخت ده درصد از مبلغ پایه کارشناسی به حساب سپرده ثبت و حضور خریدار یا نماینده قانونی او در جلسه مزایده است.
برنده مزایده مکلف است مابه التفاوت مبلغ فروش را ظرف مدت پنج روز از تاریخ مزایده به حساب صندوق ثبت تودیع نماید و در صورتی که ظرف مهلت مقرر مانده فروش را به حساب سپرده ثبت واریز نکند مبلغ مذکور قابل استرداد نبوده و به حساب خزانه واریز خواهد شد لازم به ذکر است که پرداخت بدهیهای مربوط به آب، برق و گاز اعم از حق انشعاب یا حق اشتراک و مصرف در صورتی که مورد مزایده دارای آنها باشد و نیز بدهیهای مالیاتی و عوارض شهرداری و غیره اعم از اینکه رقم قطعی آن معلوم شده باشد یا نشده باشد به عهده برنده مزایده است و نیز در صورت وجود مازاد وجوه پرداختی بابت هزینه های فوق به برنده مزایده مسترد خواهد شد و نیم عشر و حق مزایده نقدا وصول خواهد شد. ضمناً چنانچه روز مزایده تعطیل رسمی گردد مزایده روز اداری بعد از تعطیلی در همان ساعت و مکان مقرر برگزار خواهد شد.
تاریخ انتشار:۱۴۰۴.۰۲.۱۳
م الف : ۳۷۹
ریاست اداره اجرای اسنادرسمی همدان _متوسل

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان شمالی
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک منطقه دو بجنورد
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف و ضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
برابـــررای شـــماره ۱۴۰۳۶۰۳۰۷۰۰۵۰۱۹۱۴۴مورخـــه ۱۴۰۳/۱۱/۱۱ موضـــوع قانـــون تعییـــن تکلیـــف وضعیـــت ثبتـــی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر درواحد ثبتی حوزه ثبت ملک منطقه دو بجنورد تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی: خانم خدیجه سهرابی راد فرزند سهراب به شماره ملی۰۶۸۱۷۷۳۷۶۱ درشش دانگ یک باب مغازه به مساحت ۱۵مترمربع قسمتی از پلاک شماره ۲۶۹۶- فرعی از ۱۷۳-اصلی واقع در(معصوم زاده) بخش ۲ حوزه ثبت ملک منطقه دو بجنورد از محل مالکیت ثبتی آقای علی اکبر رحیمی محرز گردیده است.لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذرسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور وعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. شناسه ۱۹۲۱۹۷۰
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۲/۱۳ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۲/۲۸
سعید عقیقی
رئیس ثبت اسناد و املاک ناحیه۲ بجنورد ۱۱۷۲

آگهی فقدان سند مالکیت موضوع ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت
آقـای علیرضـا رحمانـی فرزنـد محمـد علـی کـد ملـی ۰۷۵۹۵۶۳۱۴۴با تسـلیم دو بـرگ استشـهاد گواهـی امضـا شـده بـه تقاضـای کتبـی شـماره ۵۰۰۱۴۹۷- ۱۴۰۴ مـورخ ۱۴۰۴/۰۲/۰۲ جهـت دریافـت یـک بـرگ سـند المثنـی نوبـت اول بـه ایـن اداره مراجعـه نمـوده و مدعـی اسـت کـه سـند مالکیـت ششـدانگ پلاک ۳۱۴۵ فرعـی از ۱۷۱ اصلـی واقـع در بخـش دو بجنـورد چاپـی ۸۴۹۷۳۱ متعلـق بـه نامبـرده مفقـود شـده و در رهـن بانـک اسـت لـذا طبـق مـاده ۱۲۰ آئیـن نامـه قانـون ثبـت مراتـب یـک نوبـت آگهـی مـی شـود تـا هرکـس مدعـی انجـام معاملـه نسـبت بـه ملـک مذکـور بـوده و یـا مدعـی وجـود سـند مالکیـت نـزد خـود میباشـد ظـرف مـدت ۱۰ روز پـس از انتشـار آگهـی بـه ایـن اداره مراجعـه و اعتـراض خـود را ضمـن ارائـه اصـل سـند مالکیـت یاسـند معاملـه تسـلیم نمایـد بدیهـی اسـت چنانچـه در ظـرف مهلـت مقرر اعتـراض نرسـد اداره ثبـت طبـق مقـررات نسـبت بـه صـدور سـند مالکیـت المثنـی اقـدام خواهـد کـرد و سـند مالکیـت اولیـه از درجـه اعتبـار سـاقط اسـت. شناسـه ۱۹۲۲۲۶۷
مهدی سیاوشی
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک بجنورد
از طرف فاطمه بهادری ۱۲۰۷